

* فهرست *

۲۸۰.....	اصل ۴۵.....	۶.....	پیشگفتار.....
۲۹۳.....	اصل ۴۶.....	۱۰.....	مقدمه قانون اساسی.....
۲۹۸.....	اصل ۴۷.....	۲۱.....	اصل ۱.....
۳۰۲.....	اصل ۴۸.....	۲۶.....	اصل ۲.....
۳۰۶.....	اصل ۴۹.....	۳۲.....	اصل ۳.....
۳۱۴.....	اصل ۵۰.....	۴۱.....	اصل ۴.....
۳۲۰.....	اصل ۵۱.....	۴۸.....	اصل ۵.....
۳۲۶.....	اصل ۵۲.....	۵۵.....	اصل ۶.....
۳۳۳.....	اصل ۵۳.....	۵۹.....	اصل ۷.....
۳۴۱.....	اصل ۵۴.....	۶۵.....	اصل ۸.....
۳۴۶.....	اصل ۵۵.....	۷۰.....	اصل ۹.....
۳۵۵.....	اصل ۵۶.....	۷۴.....	اصل ۱۰.....
۳۶۳.....	اصل ۵۷.....	۷۹.....	اصل ۱۱.....
۳۶۹.....	اصل ۵۸.....	۸۳.....	اصل ۱۲.....
۳۷۶.....	اصل ۵۹.....	۸۹.....	اصل ۱۳.....
۳۸۳.....	اصل ۶۰.....	۹۴.....	اصل ۱۴.....
۳۸۹.....	اصل ۶۱.....	۹۸.....	اصل ۱۵.....
۳۹۶.....	اصل ۶۲.....	۱۰۴.....	اصل ۱۶.....
۴۰۳.....	اصل ۶۳.....	۱۰۷.....	اصل ۱۷.....
۴۰۷.....	اصل ۶۴.....	۱۱۰.....	اصل ۱۸.....
۴۱۳.....	اصل ۶۵.....	۱۱۵.....	اصل ۱۹.....
۴۱۹.....	اصل ۶۶.....	۱۲۰.....	اصل ۲۰.....
۴۲۴.....	اصل ۶۷.....	۱۲۵.....	اصل ۲۱.....
۴۲۹.....	اصل ۶۸.....	۱۳۱.....	اصل ۲۲.....
۴۳۴.....	اصل ۶۹.....	۱۳۷.....	اصل ۲۳.....
۴۴۰.....	اصل ۷۰.....	۱۴۱.....	اصل ۲۴.....
۴۴۵.....	اصل ۷۱.....	۱۴۷.....	اصل ۲۵.....
۴۵۰.....	اصل ۷۲.....	۱۵۳.....	اصل ۲۶.....
۴۵۴.....	اصل ۷۳.....	۱۶۲.....	اصل ۲۷.....
۴۶۰.....	اصل ۷۴.....	۱۶۸.....	اصل ۲۸.....
۴۶۷.....	اصل ۷۵.....	۱۷۳.....	اصل ۲۹.....
۴۷۲.....	اصل ۷۶.....	۱۸۰.....	اصل ۳۰.....
۴۷۷.....	اصل ۷۷.....	۱۸۵.....	اصل ۳۱.....
۴۸۵.....	اصل ۷۸.....	۱۸۹.....	اصل ۳۲.....
۴۹۰.....	اصل ۷۹.....	۱۹۵.....	اصل ۳۳.....
۴۹۵.....	اصل ۸۰.....	۲۰۰.....	اصل ۳۴.....
۵۰۱.....	اصل ۸۱.....	۲۰۵.....	اصل ۳۵.....
۵۰۵.....	اصل ۸۲.....	۲۱۱.....	اصل ۳۶.....
۵۱۱.....	اصل ۸۳.....	۲۱۶.....	اصل ۳۷.....
۵۱۵.....	اصل ۸۴.....	۲۲۱.....	اصل ۳۸.....
۵۱۹.....	اصل ۸۵.....	۲۲۶.....	اصل ۳۹.....
۵۲۹.....	اصل ۸۶.....	۲۳۰.....	اصل ۴۰.....
۵۳۶.....	اصل ۸۷.....	۲۳۴.....	اصل ۴۱.....
۵۴۰.....	اصل ۸۸.....	۲۴۰.....	اصل ۴۲.....
۵۴۷.....	اصل ۸۹.....	۲۴۴.....	اصل ۴۳.....
۵۵۳.....	اصل ۹۰.....	۲۶۲.....	اصل ۴۴.....



* پیشگفتار *

غربی به عنوان نتیجه‌ی نهضت دین‌پیرایی به حساب می‌آید.

از همین‌رو مطالعه و تحلیل حقوقی ابعاد گوناگون قانون اساسی اعم از نقاط درخشان و مترقی آن، ساختارها و نهادهای حاکمیتی و حدود اقتدارات آن‌ها، ظرفیت‌های مغفول قانون اساسی، مطالعه‌ی تطبیقی قانون اساسی، و ابهامات و کمبودهای احتمالی موجود در قانون اساسی و مواردی از این دست امری لازم و ضروری محسوب می‌شود. در این راستا مرکز تحقیقات شورای نگهبان و پس از آن پژوهش‌گده‌ی شورای نگهبان به عنوان رکن و بازوی پژوهشی نهاد پاسدار قانون اساسی، بر اساس پیشنهاد دکتر عباسعلی کدخدایی و با همت جناب آقای قربانعلی مهری (قائم مقام وقت مرکز تحقیقات) و جناب آقای دکتر حجت الله علم‌الهدی (قائم مقام وقت پژوهش‌گده)، طرح پژوهشی بازخوانی اصول قانون اساسی مبتنی بر مبنایی‌ترین سند فهم و پژوهش در خصوص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یعنی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی را طراحی نمود.

بر اساس این طرح جمعی از فرهیختگان دانشگاهی در گرایش‌های گوناگون حقوقی با مطالعه‌ی متن مشروح مذاکرات هر اصل در دو دوره‌ی زمانی مختلف به مباحثه پیرامون مفاد اصل، مبانی تصویب آن، سئوالات و ابهامات موجود در هر اصل، پیشنهادات اصلاحی در خصوص موضوع آن اصل پرداختند و پس از آن نظرات و نکات خود را در قالب مکتوب نیز ارائه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران در سال ۱۳۵۷، نیاز مبرم نظام سیاسی جدید به طراحی ساختارها و چارچوب‌های حکمرانی بر اساس مبانی و ارزش‌های بنیادینی همانند تحقق احکام و آموزه‌های اسلام در نظام اجتماعی، عدالت، استقلال، آزادی و ... که عموم مردم ایران را به مقابله با طاغوت زمان و سرنگونی حکومت پهلوی برانگیخته بود، منجر به آن گردید تا با تدبیر داهیان‌ه‌ی امام خمینی (ره) گروهی از منتخبان ملت که اکثریت قاطع آن‌ها را فقها تشکیل می‌دانند، به تدوین و تصویب متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظرف مدت محدود چندماهه اقدام نمایند. متنی که پس از تأیید رهبر کبیر انقلاب اسلامی در فرآیند همه‌پرسی به تأیید قاطبه‌ی ملت ایران رسید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از آن‌جا که به دنبال طراحی نظامات جدید حقوقی مبتنی بر معیارهای شریعت اسلام بود و به اذعان مقدمه‌ی آن در مقام تبیین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی بوده است؛ به عنوان میثاق ملی مردم ایران از یک سو همانند سایر قوانین اساسی مجموعه‌ای از ساختار حکومتی در نظام سیاسی جدید، حدود صلاحیت مقامات و حقوق و آزادی‌های عمومی و شیوه‌ی تضمین آن را بیان نموده است و از سوی دیگر بیانگر مبانی، اهداف، وظایف، ارزش‌ها و هنجارهای برتر نظام سیاسی با نگاهی به آموزه‌های دینی است که همین امر فصل‌میزه‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به قوانین اساسی کشورهای

بازنگری قانون اساسی
دور اول جلسات بازخوانی: قربانعلی مهری، محمد
بهادری جهرمی (عضو هیأت علمی دانشگاه
تربیت مدرس)، ابوالفضل درویشوند (عضو هیأت
علمی دانشگاه تربیت مدرس)، کاظم کوهی
اصفهانی، ولی علیزاده، علی علیزاده، یحیی
مزروعی ایبانه، ابراهیم موسی زاده (عضو هیأت
علمی دانشگاه تهران)، سلمان عمرانی (عضو
هیأت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام))،
فهیم مصطفی زاده، محمد جواهری طهرانی (عضو
هیأت علمی دانشگاه شیراز)، محمدعلی
فلاح زاده (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه
طباطبایی)، حبیب الله فاضلی (عضو هیأت
علمی دانشگاه تهران)، جواد فتحی، محمدعلی
غفوری وایقان، اکبر طلاکی (عضو هیأت
علمی دانشگاه تهران)، حامد ناظمی، حسین
جهانی، سید سجاد صاحب آل فصول، مهدی
رضایی بجستانی، محمدرضا شریفانی، غلامرضا
عظیم پور، مهدی فتاحی، محمود ابراهیمی،
محمد برزگر خسروی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه
نیرو)، عادل ابرهیم پور (عضو هیأت علمی
دانشگاه تبریز)، مجتبی همتی (عضو هیأت علمی
دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)، هادی
طحان نظیف (عضو هیأت علمی دانشگاه امام
صادق (علیه السلام))، علی بهادری جهرمی (عضو
هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت
مدرس)، سیدحسن آقامیری، بهنام حبیب زاده،
حسین فاتحی زاده، محمد فتحی، سیدمهدی
موسوی، حسین خلف رضایی (عضو هیأت علمی
دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری).

نمودند. نتایج جلسات اعم از خروجی مکتوب
به همراه نکات بیان شده در جلسه، به وسیله
گروهی از کارشناسان پژوهشکده‌ی شورای نگهبان
در قالب گزارش‌هایی ناظر بر پیشینه اصل، نکات،
پیشنهادات و ابهامات، سئوالات و منابعی برای
مطالعه‌ی بیشتر پیرامون هر اصل تدوین گردید.
در مرحله‌ی بعد گزارش‌های تفصیلی ناظر بر
هر اصل قانون اساسی به وسیله‌ی گروهی از
پژوهشگران پژوهشکده مستندسازی شده و
مورد تحقیق و تدوین علمی قرار گرفت و اکنون
در قالب کتاب «محشای قانون اساسی» به چاپ
رسیده است.

پژوهشکده‌ی شورای نگهبان از همه‌ی کسانی که
در به‌ثمر رسیدن این مجموعه‌ی علمی ارزشمند
همکاری نمودند تقدیر و تشکر به عمل آورده و
این مجموعه‌ی گرانبها را نتیجه‌ی تلاش جمعی
گروهی از اندیشمندان حقوقی کشور می‌داند که
اولین قالب خروجی آن در قالب این مجموعه به
چاپ رسیده است و سایر نتایج علمی این طرح
پژوهشی نیز در آینده به جامعه علمی کشور
عرضه خواهد شد.

در پایان به رسم تقدیر و در راستای پاسداری
از حقوق معنوی اسامی همه‌ی افرادی که در
فرآیندهای گوناگون بیان شده تلاش موده‌اند
بیان می‌گردد.

■ مرحله اول:

مشارکت‌کنندگان در جلسات علمی بازخوانی
اصول قانون اساسی بر مبنای مشروح مذاکرات
مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و شورای

■ تدوین کنندگان:

داریوش احمدی، حمزه اشکبوس، محمد برومند، سید مجتبی حسینی پور، علی رحمانی، مهدی ابراهیمی، محمد بهادری جهرمی، سید حجت الله علم الهدی، محمدحسین باقری خوزانی، امیرحسین سعادت، یحیی اکبری، سجاد حکیمی، احمد تقی زاده، عبادالله جهان بین، علی علیپور

■ ناظران علمی:

محمد بهادری جهرمی، حامد نیکونهاد. مهدی ابراهیمی، احمد تقی زاده، علی زمانیان جهرمی، محمدعلی فراهانی، سید حجت الله علم الهدی، علی فتاحی زفرقندی

■ مرحله سوم:

مشارکت کنندگان در فرآیند مستندسازی و تحقیق و تدوین علمی جلسات بازخوانی اصول قانون اساسی

■ تحقیق و نگارش:

کمال کدخدامرادی، امیر کشتگر، حسین احمدی، مهدی نورایی، محمدامین ابریشمی راد، محمدصادق فراهانی، محمدحسن باقری خوزانی، مصطفی منصوریان، علی هادی زاده، زینب عساکره، محمدرضا قاسمی، علی تقی نژاد

■ ناظر علمی:

مصطفی منصوریان و ابوالفضل درویشوند

دور دوم جلسات بازخوانی: سیدحجت الله علم الهدی، مهدی ابراهیمی، حامد نیکونهاد(عضو هیأت علمی دانشگاه قم)، علیرضا کیانپور، محمدامین ابریشمی راد(عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان)، مرتضی حاجی علی خمسه ای، محمد مهاجری، مصطفی مسعودیان(عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد)، محمد برومند، محمد صالحی، محمدعلی فراهانی، امیر کشتگر، محمدصادق فراهانی، علی فتاحی زفرقندی، امیرحسین اصل زعیم، محمد سلیمانی درچه، محمدهادی زرافشان، حسین امینی پزوه، محسن ابوالحسنی، سیدمحسن طاهری، مهدی نورایی، سیدسلیمان مرتضوی، میثم نداف، احمد تقی زاده، محمدرضا اصغری شورستانی(عضو هیأت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)، محمدهادی راجی(عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق(علیه السلام))، حسین آئینه نگینی، محمدحسن باقری، مصطفی منصوریان(عضو هیأت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)، میثم درویش متولی، شهاب اقبال، علی تقی نژاد، مهدی رجایی، حمید فعلی، علی علیپور، علی هادی زاده، سلیمان دهقانی، کمال کدخدامرادی، اسماعیل آجرلو، سید محمد مهدی غمامی(عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق(علیه السلام))، محمد حسین پیغمبری.

■ مرحله دوم:

مشارکت کنندگان در فرآیند تدوین جلسات بازخوانی اصول قانون اساسی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

■ **مقدمه**

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می طلبد. ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی

را بر عهده داشت، ولی به دلیل دورشدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش ها به سرعت به رکورد کشانده شد. از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالی قدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد، با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می باشد.)

■ **طلیعه نهضت**

اعتراض درهم کوبنده امام خمینی به توطئه آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیسم جهانی بود عامل حرکت یکپارچه ملت

و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزون تر داد.

■ حکومت اسلامی

طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده تر ساخت. در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی ها و شدت خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشارگری و انعکاس مبارزه به وسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی، بنیان های حاکمیت رژیم را به شدت متزلزل کرد و به ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح باز کردن فضای سیاسی کشور شدند تا به گمان خویش دریچه اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بگشایند. اما ملت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل ناپذیر امام، قیام پیروزمند و یکپارچه خود را به طرز گسترده و سراسری آغاز نمود.

■ خشم ملت

انتشار نامه توهین آمیز به ساحت مقدس روحانیت و به ویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ از طرف رژیم حاکم این حرکت را سریع تر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتشفشان خشم

گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم و خونبار امت اسلامی در خردادماه ۴۲ که در حقیقت نقطه آغاز شکوفایی این قیام شکوه مند و گسترده بود، مرکزیت امام را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علی رغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) پیوند مستحکم امت با امام همچنان استمرار یافت و ملت مسلمان و به ویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند.

در این میان قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد، حوزه های علمیه و دانشگاه به روشنگری و با الهام از مکتب انقلابی و پربار اسلام تلاش پیگیر و ثمربخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانون های پرخروش انقلاب آغاز نموده بود به مذبحخانه ترین اقدامات ددمنشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم دست زد و در این میان جوخه های اعدام، شکنجه های قرون وسطایی و زندان های درازمدت، بهایی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامه مبارزه می پرداخت. خون صدها زن و مرد جوان و با ایمان که سحرگهان در میدان های تیر فریاد «الله اکبر» سر می دادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله های دشمن قرار می گرفتند انقلاب اسلامی را تداوم بخشید، بیانیه ها و پیام های پی در پی امام به مناسبت های مختلف، آگاهی

فداکاری ملت به پیروزی رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد. ۲۱ و ۲۲ بهمن سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت روزهای فرو ریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را در هم شکست و با این پیروزی بزرگ، طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان بود نوید پیروزی نهایی را داد. ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه‌پرسی جمهوری اسلامی تصمیم نهایی و قاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و با اکثریت ۹۸/۲٪ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد. اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیان‌گر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راه‌گشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه‌دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد.

■ شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای

مردم کوشید این قیام معترضان را با به خاک و خون کشیدن خاموش کند اما این، خود، خون بیشتری در رگ‌های انقلاب جاری ساخت و طپش‌های پی‌درپی انقلاب در هفتم‌ها و چهلم‌های یادبود شهدای انقلاب، حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هرچه فزون‌تری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمان‌های کشور با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند. همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین‌کننده بود، و مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند، صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد بیان‌گر سهم عمده و تعیین‌کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.

■ بهایی که ملت پرداخت

نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صد هزار زخمی و معلول و با بر جای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان‌آمیز نهضت و نیز

قرآن و سنت، جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خودگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد. با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین)

■ ولایت فقیه

بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجازی الامور بیدالعلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند.

اقتصاد وسیله است نه هدف

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع

طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد.

قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. (ان هذه امتکم امه واحده وانا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (ویضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم) در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند. (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) و قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار

خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پراج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

■ ارتش مکتبی

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد، بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم)

■ قضا در قانون اساسی

مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است. این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و اذا حکمتم

نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.

■ زن در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد‌یابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیء بودن) و یا (ابزار کار بودن) در

بین الناس ان تحکموا بالعدل)

■ قوه مجریه

قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسئله حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی راه‌گشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست‌وپاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد. بدین جهت نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری به وجود آید.

■ وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی (رادیو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره‌جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند. پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت انبیا بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه

در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. (و کذلک جعلناکم امه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس)

■ نمایندگان

مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از گروه‌های مختلف مردم رسیده بود در دوازده فصل که مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می‌باشد در طلیعه پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، بنیان‌گذار مکتب رهایی‌بخش اسلام با اهداف و انگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند، به این امید که این قرن، قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین گردد.

■ نکات و برداشت‌ها

۱. مقدمه قانون اساسی ضمن تبیین شاخصه‌های بنیادین نظام سیاسی نوین و ارائه‌گفتمانی نو از مفاهیم متعدد سیاسی، ترسیم‌کننده نمای کلی نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی است که در اصول قانون اساسی بازتاب یافته است. از این رو مقدمه منبع شایسته‌ای برای شناسایی اهداف مد نظر قانون‌گذار اساسی بوده و می‌تواند یاری‌گر مفسر قانون اساسی به منظور نیل به برداشت مطلوب از اصول قانون اساسی گردد. بر همین اساس،

مراد مقنن در راستای تفسیر قانون اساسی بهره جست و ارزشی فراتر از مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی برای آن قائل بود. توجه به مندرجات مقدمه قانون اساسی می‌تواند منجر به نیل به تفسیری دقیق‌تر و صحیح‌تر نسبت به اصول قانون اساسی شود.

۳. در خصوص «ارزش حقوقی استناد به مقدمه قانون اساسی» ممکن است ادعا شود که مقدمه قانون اساسی زمانی ارزش حقوقی و قابلیت استنادپذیری دارد که در خود قانون اساسی و اصول آن نسبت به این موضوع تصریح شده باشد. این ادعا به معنای انکار کلی ارزش مقدمه قانون اساسی در فهم و تفسیر قانون اساسی و نفی هرگونه استناددهی به آن قطعاً محل نقد و تأمل جدی است. چرا که راه اثبات اعتبار مقدمه یک سند منحصر به تصریح به این اعتبار در خود آن سند نیست بلکه این راه، تنها یکی از راه‌های موجود است و گاه می‌توان با استنادات و استدلال‌هایی خارج از یک متن، به میزان اعتبار مقدمه و اصل آن سند پی برد. مقدمه قانون اساسی که مفاد آن در اصول مختلف قانون اساسی تجلی پیدا کرده است را باید به مثابه حسن مطلعی برای فهم اصول قانون اساسی به حساب آورد؛ به ویژه آنکه نمایندگان مردم، آن را به همراه متن قانون اساسی امضا کرده‌اند و مردم نیز در همه‌پرسی قانون اساسی به عنوان جزئی از قانون اساسی به آن رأی داده‌اند. بنابراین، با عنایت به مفاد مقدمه قانون اساسی می‌توان مراد و مقصود قانون‌گذار اساسی را در مواضع ابهام، اجمال، تعارض یا سکوت قانون

برخی حقوقدانان با وجود انکار ارزش حقوقی مقدمه، آن را زمینه‌ساز اصول قانون اساسی دانسته‌اند.^۱ لذا مقدمه قانون اساسی صرفاً ادبیات نیست و بلکه از اصولی است که باید در تفسیر به آن توجه کرد^۲ و بایسته‌های تفسیر قانون اساسی را با استناد به آن استنباط کرد.^۳

۲. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آخرین جلسه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی قرائت شد. در این خصوص گفتنی است که هرچند عمده نمایندگان مجلس نسبت به محتویات مقدمه نظر مثبت داشتند،^۴ اما برخی نیز اصرار داشتند که این متن از قانون اساسی جدا تلقی شده و اعتبار قانون اساسی را نداشته باشد.^۵ در نهایت نمایندگان حاضر، متن قانون اساسی را به همراه مقدمه آن امضا کردند.^۶

توجه به این نکته که متنی به عنوان مقدمه در کنار اصول قانون اساسی قرار گرفته و در صحن علنی مجلس قرائت شده و نمایندگان حاضر نیز آن را امضا کرده‌اند بیان‌گر آن است که می‌توان از مندرجات آن به منظور دستیابی به قصد و

۱. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۶۸.
۲. کاتوزیان، امیرناصر، «اصول منطقی حاکم بر تفسیر قانون اساسی»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۳، ۳۰۸-۳۰۷، ص ۳۰۷.
۳. کعبی، عباس، محمدرضا اصغری شورستانی و امیرحسین اصل زعیم، «نقش مقدمه قانون اساسی در تفسیر اصول و شناخت اهداف و رسالت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۳، ۲۰-۱.
۴. نک: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۸۷۷.
۵. همان، صص ۱۸۴۲ و ۱۸۷۶.
۶. همان، ص ۱۸۸۳.

آینده به عنوان اهداف تدوین قانون اساسی ذکر کرده است. مقدمه قانون اساسی ترکیه نیز با تفصیل بیشتری به اهداف و انگیزه‌های تدوین قانون اساسی این کشور پرداخته است. همچنین، مقدمه قانون اساسی عراق ضمن اشاره به سختی‌ها و مشقت‌هایی که مردم این سرزمین در طول سالیان متمادی با آن روبرو بودند، بر نفی طایفه‌گرایی و گرایش‌های نژادی و نیز الهام از ارزش‌ها و دستاوردهای تمدن بشری در تدوین قانون اساسی تأکید کرده است.

۶. مندرجات مقدمه قانون اساسی ایران در یک تقسیم‌بندی به دو دسته کلی مفاد ناظر به «مبانی» نظام حقوقی و مفاد ناظر به «اهداف» نظام حقوقی قابل تقسیم است. از مهم‌ترین «گزاره‌های ناظر به مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران» می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: الف - «بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند.» ب - «قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزکار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است.» ج - «مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه» امری ضروری بوده و قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را فراهم می‌کند «تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد.» د - اساس و ضابطه در نیروهای دفاعی کشور، ایمان و مکتب بوده و «نه تنها حفظ و

اساسی به دست آورد.

۴. توجه به نظم حقوق بین‌الملل در تفسیر معاهدات نیز می‌تواند در فهم جایگاه مقدمه قانون اساسی راه‌گشا باشد. ماده ۳۱ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات بین‌المللی مصوب سال ۱۹۶۶ میلادی به قاعده کلی تفسیر پرداخته است. این ماده ضمن تصریح به این موضوع که معاهدات باید با توجه به سیاق عبارات تفسیر گردد، منظور از سیاق را مقدمه، ضائم معاهده و موارد دیگری از قبیل اسناد مرتبط دانسته است. بر این اساس، مقدمه از لوازم اصلی تفسیر متن بوده و یکی از کلیدهای راه‌یابی به ذهن، غرض و منظور واضح قلمداد می‌شود.

۵. مقدمه قانون اساسی ایران هم در زمینه ذکر وقایع روند پیروزی انقلاب اسلامی و عبرت‌های موجود در آن و هم در زمینه آرمان‌ها و اهداف تدوین قانون اساسی، مسائل را با جزئیات و تفصیل قابل توجهی مطرح کرده است. البته پیش‌بینی مقدمه در قوانین اساسی سایر کشورهای جهان نیز با تفاوت‌هایی وجود دارد. مقدمه قانون اساسی کشور فرانسه مصوب سال ۱۹۵۸ میلادی، پایبندی به اعلامیه حقوق بشر و شهروند سال ۱۷۸۹ را مورد تصریح قرار داده و آرمان مشترک این کشور را آزادی، برابری و همبستگی عنوان کرده است. مقدمه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا مصوب سال ۱۷۸۹ میلادی، استقرار عدالت، تأمین آسایش ملی، تضمین دفاع مشترک، ارتقای رفاه عمومی و حفظ برکات آزادی را برای نسل حاضر و نسل‌های

ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد.» ج - «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل یا خارج کشور فراهم می‌کند... تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند... و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.» د - «قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند.» ه - «قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود... آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد.» و - از آنجا که مبنای نظام اقتصادی، بر رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل استوار است؛ نه مانند دیگر نظام‌های اقتصادی بر پایه تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛ هدف نظام حقوقی، تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت حرکت تکاملی انسان است. ز - با توجه به اینکه «خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است» نظام حقوقی به دنبال رها کردن زن از استثمار همه‌جانبه خارجی و بازگرداندن هویت اصلی و حقوق انسانی اوست. نظام حقوقی ضمن نفی دیدگاه «شیء بودن» و «ابزار کار بودن» زن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و

حراست از مرزها، بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود.» ه - نظام قضایی بر پایه عدل اسلامی شکل گرفته و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی و به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم است. و - قوه مجریه بر مبنای چالاک‌گی و به دور از بروکراسی‌های اداری نظام یافته است. ز - وسایل ارتباط جمعی (رادیو-تلویزیون) در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی و اشاعه فرهنگ اسلامی، از برخورد اندیشه‌های متفاوت بهره می‌گیرد و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضداسلامی به شدت پرهیز می‌کند.

۷. در مورد «گزاره‌های ناظر به اهداف نظام حقوقی جمهوری اسلامی»، مقدمه قانون اساسی ضمن بیان این نکته که هدف نهایی جمهوری اسلامی «حرکت به سوی الله» و «رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی» می‌باشد، تصریح کرده است که این قانون، «آزادی و کرامت انبیا بشر را سرلوحه اهداف خود» قرار داده و قانون اساسی را در این راستا، زمینه‌ساز و تضمین‌کننده اهداف زیر می‌داند:

الف - «قانون اساسی به عنوان بیان‌گر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه‌دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد.» ب - «رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و زمینه‌هایی را به وجود آورد که در آن انسان با

استثمار، به دنبال ایجاد زمینه ایفای مسئولیت مادری و حضور در میدان‌های فعال حیات برای زن است.

۸. انقلاب اسلامی موجد طرح نوینی از یک نظام حکومتی است که از منظر تحولات فقهی و حقوقی مقطعی نو و جدید در تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلامی محسوب میشود. در واقع نظام جمهوری اسلامی ایران موجودیت خود را مبتنی بر خصلت ترمیمی، تکمیلی و حتی ترمیمی نسبت به نظام سلطنتی و مشروطه قرار نداد و هویتی متمایز از یک نظام سیاسی مبتنی بر اسلام را ارائه نمود.^۱ بر همین اساس نیز مقدمه قانون اساسی بر ماهیت «مکتبی و اسلامی» انقلاب اسلامی تأکید کرده است. همچنین، مقدمه قانون اساسی در چندین مورد از عبارت «امت اسلامی» بهره برده است. استفاده از این نوع تعابیر که در اصول مختلف قانون اساسی (نظیر اصول ۵، ۱۱، ۵۷ و ۱۰۹) نیز مشاهده می‌شود بیان‌گر نگاه آرمانی و فراسرزیمینی تدوین‌کنندگان قانون اساسی بوده است.

■ منابع برای مطالعه بیشتر

کعبی، عباس، محمدرضا اصغری شورستانی و امیرحسین اصل زعیم، «نقش مقدمه قانون اساسی در تفسیر اصول و شناخت اهداف و رسالت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۳، ۱-۲۰.

۱. کعبی، عباس، تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱.



انحصاری قوه مجریه به کار نمی‌رود.^۱ قانون‌گذار اساسی در اصل ۱ نوع حکومت در ایران را تعیین کرده است. علاوه بر استناد به عرف عقلایی حاکم بر قوانین اساسی کشورهای مختلف که به نوع حکومت خود در متن قانون اساسی تصریح می‌کنند، مقنن اساسی با لحاظ زمینه‌های فکری و اعتقادی مردم ایران، تصریح به نوع حکومت را برای تبیین سایر مناسبات مربوط به این نظام جدید اعم از مناسبات بنیادین یا ماهوی نظیر اهداف و آرمان‌های حکومت و مناسبات شکلی نظیر نحوه ساختار قدرت، ضروری تشخیص داده است.

۲. اگرچه اصل ۱ به صورت اخباری تدوین شده است اما در برخی موارد، امر انشایی برای تأکید بیشتر به صورت اخباری آورده می‌شود. اثر این تأکید را می‌توان در اصل ۱۷۷ مشاهده کرد. بر این اساس، محتوای اصول مربوط به جمهوری بودن حکومت و اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی تغییرناپذیر عنوان شده‌اند.

۳. بعد از انقلاب اسلامی، پیشنهادهای در خصوص تعیین نوع حکومت بیان می‌شود. از جمله آنها «جمهوری دموکراتیک خلق» مانند کشورهای مارکسیستی، «حکومت اسلامی» بدون قید «جمهوری» و نیز «جمهوری دموکراتیک» مانند کشورهای غربی بود.^۲ امام خمینی علیه السلام با توجه به خواست واقعی ملت و بر مبنای موازین

■ اصل ۱ قانون اساسی

«حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی قدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه سال یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاول سال یک‌هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.»

■ اصل ۱ پیش‌نویس قانون اساسی

«نوع حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که ملت ایران در پی انقلاب اسلامی پیروزمندش در همه‌پرسی دهم فروردین سال یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی با اکثریت ۹۸/۲٪ به آن رأی مثبت داده است.»

■ نکات و برداشت‌ها

۱. واژه «حکومت» سه معنا را به ذهن متبادر می‌کند: ۱- عمل حکومت و رهبری؛ ۲) رژیم سیاسی؛ ۳- ارگان‌هایی که عملاً حکومت را در یک دولت - کشور بر عهده دارند که این معنا بیش از سایر معانی در اذهان رایج است. در واقع حکومت، مجموعه نهادهایی است که به واسطه آنان، حاکم به اعمال اقتدار می‌پردازد و مبتنی بر این تلقی، واژه مزبور در معنای

۱. قاضی، سیدابوالفضل، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۰، چاپ هفتم، ص ۱۰۶.
۲. ورعی، سیدجواد، *مبانی و مستندات قانون اساسی به روایت قانونگذار*، قم: مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۶، صص ۳۶-۳۷.

ملازمه‌ای با وجود رئیس‌جمهور ندارد و در کشورهای فاقد این منصب نیز تحقق جمهوری امکان‌پذیر است.

۶. «جمهوری» ظرفی است که محتوای آن می‌تواند اسلامی، لیبرالیستی، سوسیالیستی و مانند اینها باشد.^۵ به همین ترتیب قید «جمهوری» در ایران، شکل و جنس حکومت و قید «اسلامی» محتوای آن را نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت «جمهوریت» و «اسلامیت» در تعارض با یکدیگر قرار ندارند.^۶ در واقع حکومت جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که در آن مردم بر طبق هدایت اسلام و احکام شریعت مقدس در امر ایجاد یک نظام و اداره آن مشارکت می‌کنند و با رفع هر کدام از دو خصیصه «جمهوریت» و «اسلامیت» دیگر نمی‌توان آن را «جمهوری اسلامی» نامید.^۷

۷. در جمهوری اسلامی، اتکا به آرای مردم از آن روست که خداوند متعال رجوع به آن را تقریر کرده است (اصل ۵۶ قانون اساسی) و از همین جهت نیز مردم سالاری دینی نام نهاده می‌شود. این مسئله با دموکراسی‌های امروزی که تساهل و تسامح و پلورالیسم جزء اصول لاینفک آنهاست، تفاوت دارد. در تشریح مردم سالاری دینی باید

شرع ضمن مخالفت با آنها فرمودند: «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد».^۱ ۴. نصاب ۹۸/۲٪ درصد دارندگان حق رأی بیان‌گر میزان و شدت اعتقاد ملت ایران به حکومت جمهوری اسلامی است. در توضیح این نکته باید اشاره کرد که بلافاصله پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه دولت موقت را تشکیل داد که وظیفه آن افزون بر اداره امور اجرایی کشور، فراهم کردن مقدمات همه‌پرسی تعیین شکل حکومت آینده و تهیه و تدوین قانون اساسی بود.^۲ این همه‌پرسی در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ به انجام رسید و در آن، اکثریت قاطع مردم به نظام «جمهوری اسلامی» رأی مثبت دادند.^۳

۵. «جمهوری» به معنای قرار داشتن حق حاکمیت در دست مردم و حکومت عامه مردم است. در حکومت‌های جمهوری، تمامی اختیارات به طور مستقیم یا غیرمستقیم از اکثریت مردم اخذ شده است و افرادی کشور را اداره می‌کنند که منصب خود را با رضایت مردم به دست آورده‌اند. این نوع حکومت، نقطه مقابل رژیم سلطنتی قرار دارد که معمولاً موروثی یا اشرافی است که در آن امتیازات خانوادگی حاکم است و گروه معدودی در کشور حکومت می‌کنند.^۴ البته جمهوری بودن حکومت

۱۳۹۰، ص ۹۸.

۵. مطهری، مرتضی، **پیرامون جمهوری اسلامی**، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۷، چاپ چهارم، ص ۱۹۶.

۶. برای توضیحات بیشتر، نک: ارسطا، محمد جواد، «جمهوریت و اسلامیت: تضاد یا توافق؟»، **روش‌شناسی علوم انسانی**، شماره ۳۶، ۱۳۸۲، ۸-۲۵.

۷. خسروپناه، عبدالحسین و جمعی از پژوهشگران، **منظومه فکری آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای**، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶، ج ۲، صص ۷۶۵-۷۶۶.

۱. موسوی خمینی، روح‌الله، **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۵۳.

۲. لاهیجی، عباسی، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۷، ص ۳۸.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. طباطبایی مومنی، منوچهر، **حقوق اساسی**، تهران: نشر میزان،

۹. اهمیت نقش «رهبری مرجع عالی قدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی رحمته الله علیه» در پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران باعث شده است که قانونگذار اساسی علاوه بر مقدمه، در نخستین اصل از قانون اساسی نیز بر این موضوع تأکید کند. توجه به این موضوع در واقع حاکی از نقش تاریخی است که رهبری و مرجعیت امام خمینی رحمته الله علیه در سیر تحولات منتج به انقلاب اسلامی داشته است. اعتراض و مخالفت شدید امام خمینی رحمته الله علیه با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱، اعلامیه‌های مکرر امام خمینی در محکومیت رفتارهای سرکوب‌گرایانه رژیم پهلوی مشخصاً حمله به شخص شاه پس از حادثه فیضیه قم در سال ۱۳۴۲، اعلام خطر از سوی امام در خصوص احیای کاپیتالیسیون و ننگین معرفی کردن این اقدام در سال ۱۳۴۳ و همچنین هدایت اعتراضات مردمی علیه سیاست‌های خباثت‌آمیز رژیم پهلوی از عراق و سپس پاریس، بخشی از نقش آفرینی امام در فروریختن بنیاد شاهنشاهی و شکل گرفتن شالوده انقلاب اسلامی بوده است.^۶

۱۰. علاوه بر جمهوری اسلامی ایران، سه کشور دیگر شامل افغانستان (قانون اساسی سال ۲۰۰۴ میلادی)، پاکستان (قانون اساسی سال ۱۹۵۶ میلادی) و موریتانی (قانون اساسی سال ۱۹۶۰ میلادی) نیز نوع حکومت خود را «جمهوری

اشاره کرد که این الگوی حکمرانی ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی استوار است و در چارچوب مقررات الهی قرار دارد و همچنین در راستای حق مداری، خدمت محوری و ایجاد بستر جهت رشد و تکامل مادی و معنوی ایفای نقش می‌کند.^۱

۸. در قوانین اساسی کشورهای جهان، انواع مختلف حکومت به دو دسته کلی «پادشاهی»^۲ و «جمهوری» تقسیم شده است. حکومت جمهوری در نقطه مقابل حکومت پادشاهی قرار دارد که آن نیز البته به شکل یکسانی در قانون اساسی کشورها ذکر نشده است. تعدادی از کشورها تنها به ذکر کلمه «جمهوری» بسنده کرده‌اند،^۳ تعدادی دیگر آن را مقید به قید «دموکراتیک» کرده^۴ و برخی آن را با قید «سوسیالیستی»^۵ همراه کرده‌اند.

۱. همان، ص ۸۲۳.

۲. واژه‌های دیگر نظیر «سلطنتی»، «امیرنشین» و «امپراتوری» که در برخی از قوانین اساسی گفته شده، ملحق به همین نوع از نظام حکومتی است.

۳. بند ۱ ماده ۱ قانون اساسی اندونزی مصوب سال ۱۹۴۵ میلادی: «دولت اندونزی یک دولت واحد و دارای شکل جمهوری خواهد بود.» ماده ۲ قانون اساسی جمهوری عربی سوریه مصوب سال ۲۰۱۲ میلادی: «نظام حکومتی کشور عربی سوریه، جمهوری است.»

۴. ماده ۱ قانون اساسی ایتالیا مصوب سال ۱۹۴۷ میلادی: «ایتالیا جمهوری دموکراتیک و مبتنی بر کار است.» ماده ۱ قانون اساسی تاجیکستان مصوب ۱۹۹۴ میلادی: «جمهوری تاجیکستان دولتی مستقل، دموکراتیک، حقوق بنیاد، دنیوی و یکپارچه می‌باشد.» ماده ۱ قانون اساسی فرانسه مصوب سال ۱۹۵۸ میلادی: «فرانسه یک جمهوری غیرقابل تقسیم، لائیک و دموکراتیک است.» ماده ۱ قانون اساسی کرواسی مصوب سال ۱۹۹۱ میلادی: «جمهوری کرواسی، کشوری مستقل، دموکراتیک و غیرقابل تفکیک می‌باشد.» بند ج مقدمه قانون اساسی لبنان: «لبنان جمهوری دموکراتیک و پارلمانی است.» ماده ۱ قانون اساسی جمهوری کره (کره جنوبی) مصوب سال ۱۹۴۸ میلادی: «جمهوری کره، یک جمهوری دموکراتیک است.»

۵. ماده ۱ قانون اساسی سریلانکا مصوب سال ۱۹۷۸ میلادی: «سریلانکا یک حکومت آزاد، خودمختار، مستقل و جمهوری دموکراتیک سوسیالیست

است ...»

۶. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲، چاپ پنجم، جلد ۱، صص ۴۹-۵۲.

اسلامی» نامیده‌اند. همان‌گونه که مشخص است، نظام سیاسی جمهوری اسلامی پیش از سال ۱۳۵۷ در کشورهای پاکستان و موریتانی وجود داشته است. اگرچه هر یک از این کشورها واجد خصیصه‌های منحصر به فرد خود هستند اما وجه مشترک تمامی آنها توجه به قوانین شریعت (با کیفیت‌های متفاوت) و نفی دیکتاتوری است.

■ منابع برای مطالعه بیشتر

۱. ارسطا، محمد جواد، «جمهوریت و اسلامیت؛ تضاد یا توافق؟»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، شماره ۳۶، ۱۳۸۲، ۸-۲۵.
۲. جوان‌آراسته، حسین، «جمهوریت و اسلامیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *حکومت اسلامی*، شماره ۳۹، ۱۳۸۵، ۹۶-۱۱۷.
۳. حافظیان، محمد حسین، «رویکرد نظری به رابطه‌ی جمهوریت و اسلامیت در نظام جمهوری اسلامی ایران»، *مجموعه مقالات دولت‌مدن در ایران*، به اهتمام رسول افضل‌ی، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۸۶.
۴. خسروی، حسن، محمود فلاح و وحید دهنوی، «جمهوریت و اسلامیت در گفتمان حقوق اساسی ایران با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه‌السلام»، *پاسداری فرهنگ انقلاب اسلامی*، شماره ۱۳، ۱۳۹۵، ۱۲۹-۱۶۲.
۵. شاهدی، مظفر، «دغدغه جریان‌های سیاسی در موضوع «جمهوریت» و «اسلامیت» نظام در فرایند تصویب قانون اساسی ج.ا. ایران (۱۳۵۸)»، *تاریخ‌نامه انقلاب*، شماره ۱۱، ۱۳۹۶، ۲۹-۶۰.
۶. میرزاده کوهساهی، نادر، «تجسم جمهوریت و اسلامیت نظام در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات سیاسی*، شماره ۹، ۱۳۸۹، ۱۲۹-۱۵۲.
۷. ورعی، سید جواد، «جمهوریت و اسلامیت از دیدگاه امام خمینی و قانون اساسی»، *حکومت اسلامی*، شماره ۳۹، ۱۳۸۵، ۶۲-۹۵.



اصل دوم